

نمونه های
فرهنگ جهانی

۲

بامعه شناسی دو

پایه یازدهم

نام دبیر: مریم یابنده جهرمی
استان فارس: شهرستان مرودشت

Lm.yabandeh@Hotmail.com

درس چهارم

YABANDEH

اسلام دینی است که با دعوت فراگیر خود تکوین یک فرهنگ جهانی را در دستور کار خود قرار داده است .

عقاید و ارزش های اسلامی خصلتی جهانی داشته و به قوم و گروه خاصی تعلق ندارند
زیرا

اصول اعتقادی و ارزش های دین اسلام مطابق با نظام آفرینش و فطرت انسان است .

اصول اعتقادی و ارزش های دین اسلام اصول و ارزش های ثابتی هستند که همه انبیاء در طول تاریخ برای تبلیغ و ترویج آن ها مبعوث شده اند .

(توانمندی های دین اسلام برای ساختن یک فرهنگ جهانی)



قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ

معنای توحید

خدا یکی است و او پروردگار همه انسانها و جهان است .

همه موجودات را خداوند به وجود آورده و همه به سوی او باز می گردند .

خداوند عالم را حکیمانه آفریده و تدبیر می کند .

نمونه های فرهنگ جهانی ۲

- نزدیک شدن به خداوند
- رسیدن به مقام خلیفه الهی

عامل سعادت و عزت انسان
از دیدگاه اسلام

- انسان حقیقت الهی خود و موجودات دیگر را فراموش کند.
- انسان از تمام توانمندی های خود برای زندگی محدود این جهان استفاده کند.

عامل شقاوت و ذلت انسان
از دیدگاه اسلام

❖ زیباترین و محبوب ترین مخلوق خداوند در فرهنگ اسلام

عقل

وظیفه انسان
از دیدگاه اسلام

این جهان را آباد کند

از فساد درخشکی و دریا پرهیز کند

❖ وظیفه مسلمانان
تلاش برای آزادی مستضعفان

علت مبعوث شدن پیامبران به پیامبری

رهایی انسانها از زنجیرهایی که آن ها را به بندگی انسان ها و بت های انسان ساخته وادار می سازد .

جلوگیری از چرخش ثروت در دست ثروتمندان

آزاد سازی مستضعفان از دست مستکبران

اجرای عدالت و قسط

برانگیخته شدن عقل آدمیان

نوید دین اسلام به بشریت

حاکمیت دین حق در جهان

پیروزی مستضعفان بر مستکبران

اصول و ارزش های فرهنگ جهانی مطلوب در آموزه های اسلامی چه جایگاهی دارند ؟

اصول و ارزش های فرهنگ جهانی مطلوب (حقیقت ، معنویت ، حریت ، مسئولیت ، عقلانیت و عدالت) جزء مهم ترین و والاترین ارزش ها در اسلام محسوب می شوند .

عقاید و ارزش های اسلامی چگونه به فرهنگ بشری وارد شدند ؟

عقاید و ارزش های اسلامی با پذیرش انسان ها (از طریق تجارت ، تبلیغ عالم ان اسلامی و فتح سرزمین ها از طریق جنگ) به فرهنگ بشری وارد شدند .

مراحل گسترش فرهنگ اسلامی عبارتند از

عصر نبوی

۱

دوران خلافت

۲

دوره استعمار

۳

عصر بیداری اسلامی

۴



شبه جزیره عربستان قبل از ظهور اسلام فرهنگ جاهلی
قبیله ای داشت.

ویژگی های عصر نبوی

این دوره با مبعوث شدن پیامبر برای تبلیغ توحید و گسترش فرهنگ اسلامی آغاز می شود.

در آغاز این دوره شمال غربی عربستان تحت سلطه امپراطوری روم و جنوب شرقی آن تحت سلطه شاهنشاهی ایران قرار داشت.

پیامبر پس از ۱۳ سال مقاومت در برابر نظام قبیله ای عرب، حکومت اسلامی را در مدینه تشکیل داد.

پیامبر در ۱۰ سال حکومت در مدینه موانع سیاسی پیش روی اسلام را از بین برد.

در سال نهم هجرت گروه های مختلفی از سراسر شبه جزیره عربستان برای پذیرش اسلام به مدینه آمدند.

پیامبر خدا در حالی رحلت نمودند که نامه های دعوت خود را قبلا به امپراطوری های ایران و روم فرستاده بودند.

تا فتح مکه، هنجارها، ارزش ها و رفتارهای جاهلی در برابر اسلام آشکارا مقاومت کرد و پس از آن در پوشش نفاق خزید.



ویژگی های دوران خلافت



این دوره از زمان رحلت پیامبر آغاز شد و در طول خلافت اموی ، عباسی و عثمانی ادامه یافت .

ارزش ها، هنجارها و رفتارهای جاهلی که پس از فتح مکه در پوشش نفاق خزیده بود دوباره در جامعه اسلامی نمایان شد و جامعه اسلامی را در چارچوب مناسبات قبیله ای و عشیره ای سازمان بخشید .

عقاید و ارزش های جهانی اسلام فارغ از عملکرد قدرت های سیاسی با تلاش عالمان مسلمان وارد مرز های جغرافیایی و سیاسی جوامع دیگر شد و بر قدرت سیاسی آنها تاثیر گذاشت.

فرهنگ اسلامی به دلیل قدرت و غنای خود گروه های مهاجم بیگانه را درون خود هضم و جذب کرد و یا آنها را مجبور ساخت برای استمرار و بقای خود در ظاهرازمفاهیم و ارزشهای دینی استفاده کنند.

غلبه قدرت هایی مانند سلجوقیان ، خوارزمشاهیان ، مغولان و عثمانی ها که در چارچوب فرهنگ قومی و قبیله ای رفتار می کردند مانع آن شد که که ظرفیت های فرهنگ اسلامی و ارزش های اجتماعی آن به طور کامل آشکار شود.

اسلام مواریث و آداب بی زیان اقوام مختلف را تحمل کرد، همه را به هم درآمیخت و از آن چیز تازه ای ساخت. فرهنگ تازه ای که حدود و ثغور نمی شناخت و تنگ نظری هایی که دنیای سرمایه داری را به ملت ها، مرزها و نژادها تقسیم می کرد در آن مجهول بود.

مسلمان از هر نژاد که بود؛ عرب یا ترک، سندی یا افریقایی، در هر جایی از قلمرو اسلام قدم می نهاد، خود را در و طن و دیار خویش می یافت. همه جا، در مسجد، در مدرسه، در خانقاه، در بیمارستان از هر قوم مسلمان نشانی بود و یادگاری.

اما بین مسلمانان نه اختلاف جنسیت مطرح بود نه اختلاف تابعیت. همه جا یک دین بود و یک فرهنگ. فرهنگ اسلامی که فی المثل زبانش عربی بود، فکرش ایرانی، خیالش هندی و ... اما دل و جانش اسلامی بود و انسانی.

پرتو آن در سراسر قلمرو اسلام وجود داشت؛ مدینه، دمشق، بغداد، ری، نیشابور، قاهره، قرطبه، غرناطه، قونیه، قسطنطنیه، کابل، لاهور و دهلی. زادگاه آن هم همه جا بود و هیچ جا. در هر جا از آن نشانی بود و در هیچ جا رنگ خاصی بر آن قاهر نبود. اسلامی بود، نه شرقی و نه غربی. با این همه، رشد و نمو آن در طی مدت سه - چهار قرن متوالی چنان سریع بود که فقط به یک معجزه شگرف می مانست.

(عبدالحسین زرین کوب، کارنامه اسلام)

❖ کدام بخش از ارزش های اجتماعی اسلام با حاکمیت های قومی قبیله ای نادیده گرفته می شد؟
اخوت اسلامی ، عدالت ، تقوا ، همبستگی ، برابری ، قانون گرایی

❖ درباره نادیده انگاشتن ارزش هایی چون اخوت اسلامی، عدالت، تقوا، قانون گرایی، اتحاد، همبستگی و ... تحقیق کنید.

ارزش اخوت اسلامی :

آیه ۱۰ سوره حجرات « انما المومنون اخوه فاصلحوا بین اخویکم ... »
 براساس مضمون آیه مسلمانان در سرزمین اسلامی از هر نژاد و قومی برادر یکدیگرند .
 در نتیجه این آیه مخالف صریح تفکرات قومی و قبیله ای در مناسبات اجتماعی و سیاسی و ... می باشد .

❖ فرهنگ اسلامی و استعمار غربی چگونه با هم مواجه شدند؟

در فرایند استعمار، بخش های زیادی از قلمرو اسلامی مستعمره شد و پس از استقلال به کشور مستقل تبدیل شد. مثلا: الجزایر تا سال ۱۸۳۰ بخشی از قلمرو عثمانی بود و در این سال مستعمره فرانسه شد و در سال ۱۹۶۰ به کشوری مستقل تبدیل شد. لیبی در سال ۱۹۱۲ مستعمره ایتالیا شد. اوگاندا در سال ۱۸۹۴ مستعمره انگلیس شد و... همه این کشورها قبلا جزئی از خلافت عثمانی بودند.

❖ استعمار غربی چه تأثیری بر فرهنگ اسلامی گذاشت؟

مفهوم امت اسلامی را به ملیت های فارس، عرب، ترک و... تغییر داد - یکپارچگی قلمرو اسلامی از بین رفت - برخی ارزش های اسلامی حذف یا تغییر یافت - فرقه های جدید اسلامی ایجاد شد و ...

❖ فرهنگ اسلامی با استعمار غربی چه برخوردی داشت؟

استبداد استعماری را تجربه کرد - خودباختگی فرهنگی در برابر غرب رخ داد - جریان های بیداری اسلامی شکل گرفت - جنبش های استقلال طلبانه صورت گرفت - تلاش های نظری برای تعریف هویت دینی اسلامی در برابر هویت غربی و تقویت آن

ویژگی های دوره استعمار



در این دوره دولت های استعماری غربی بخش های مختلف جوامع اسلامی را تحت سلطه سیاسی خود در آوردند.

رجال سیاسی و دولت مردان جوامع اسلامی مقهور قدرت نظامی و صنعتی غربی ها شدند .

استبداد ایلی و قومی به صورت استبداد استعماری درآمد.



تبدیل استبداد ایلی و قومی
به استبداد استعماری

پیوند قدرت سیاسی جوامع
اسلامی با قدرت استعمارگران

سازش دولتمردان جوامع اسلامی
با استعمارگران

تفاوت استبداد ایلی و قومی با استبداد استعماری

استبداد استعماری

در سایه ی قدرت جهان غرب عمل می کردند
و به جهت گسترش نیاز های اقتصادی و
فرهنگی جهان غرب چاره ای جز حذف
مظاهر فرهنگ اسلامی نداشتند.

استبداد ایلی و قومی

هویت غیر اسلامی است اما چون پشتیبانی
خارج از جهان اسلام ندارد ظاهر اسلامی و
دینی خود را حفظ می کند .

انقلاب اسلامی ایران نقطه عطفی در بازگشت به فرهنگ اسلامی در جهان اسلام است.

ویژگی های عصر بیداری اسلامی

در برابر سلطه فرهنگ غرب مقاومت هایی شکل گرفت که ریشه در فرهنگ اسلامی داشتند.

متفکران جهان اسلام خطر سلطه فرهنگ غرب و هویت اسلامی را گوشزد کردند.

امت اسلامی با الهام از انقلاب اسلامی و بازگشت به سوی هویت الهی خود مرحله جدیدی را در گسترش فرهنگی جهانی اسلام رقم می زند.

بسیاری از نخبگان کشورهای اسلامی تا قبل از انقلاب اسلامی ایران، برای مقابله با سلطه استعماراز مکاتب و روش های غربی مانند ناسیونالیسم (ملّی گرایی) یا مارکسیسم استفاده می کردند.

❖ این مکاتب وحدت امت اسلامی را مخدوش می ساختند .

❖ این مکاتب مورد حمایت مردمی که در دامان فرهنگ اسلام تربیت یافته بودند قرار نمی گرفتند.

ناسیونالیسم

مجموعه ای از باورها و نمادها که دلبستگی و تعلق به ملت و عناصر تشکیل دهنده آن از قبیل سرزمین، نژاد، قوم و زبان را بیان می کند. بر این اساس صرفاً تعلق خاطر و وابستگی به چنین عناصری آرمان و ارزش اساسی انسان ها محسوب می شود و هویت ملت ها را تعیین می کند و آنها را از سایر ملت ها جدا می سازد.

مارکسیسم

تفکری است که عناصر اصلی آن از اندیشه های مارکس، فیلسوف و جامعه شناس انقلابی آلمانی در اواخر قرن نوزدهم ساخته شده است. مارکسیسم تنها راه رهایی از نظام سرمایه داری و مصائب آن را انقلاب طبقاتی (انقلاب کارگران علیه سرمایه داران) می داند